



۲۰۱۲/۰۳/۱۴

حمید انوری

مارشال فهيم جفنگ ميگويد يا واقعيت!؟

قسمت هايي از پيام تسليتِ مارشال محمد قسيم فهيم، معاون اول رياست جمهوري، در هفته همين سالروز اعدام مزارى:

"شهيد مزارى در راه تأمين وحدت ملي، تحقق حقوق بنيادين اقوام ساكن كشور تلاش ورزيد، آنچنانكه خود هودار تأمين عدالت اجتماعي دركشور بود، با روش هاي واقع بينانه خود مي خواست تا مردم از حقوق و جايب انساني و شهروندي خود برخوردار گردد."

اگر قبول كنيم آنچه جناب مارشال فرموده اند، حقيقت دارد، پس به اين نتيجه منطقي ميرسيم كه جنگ شوراي نظار و متحدين در مقابل حزب وحدت و رهبر آن "عبدالعلي مزارى" در آن زمان، يعني در زمان جنگ هاي تنظيمي و جنگ هاي قدرت طلبي و انحصارگري، خلاف وحدت ملي بود و رهبري آن جنگ هاي خانمانسوز و وحشيانه، بدست احمدشاه مسعود و قسيم فهيم و عبدالله عبدالله و رسول سياف و رشيد دوستم و ديگر هم طبقات شان بود. پس با جرأت گفته ميتوانيم كه اگر بگفته جناب مارشال، " مزارى در راه تأمين وحدت ملي، تحقق حقوق بنيادين اقوام ساكن كشور تلاش ورزيد"، جانب مقابل در آن جنگ هاي فوق وحشيانه و سخت ددمنشانه، برضد وحدت ملي، خلاف تحقق حقوق بنيادين اقوام ساكن كشور، عمل نموده است و قسيم فهيم در رأس رهبري نيرو هاي به اصطلاح امنيتي و جاسوسي آنان فرارداشت كه در از ميان برداشتن حزب وحدت و رهبر آن " مزارى"، يك لحظه هم تأخير نكرد و در كشتار و قتل عام و فاجعه افشار، با تمام قدرت و تمام امكانات دست داشته، چنان وحشت و كشتاري را براه اندخت كه نظير آن هرگز ديده نشده است.

اگر هم شوراي نظار و متحدين جنگي آنان و نيز حزب وحدت و مؤتلفين شان، هر دو جانب جنگ، " در راه تأمين وحدت ملي، تحقق حقوق بنيادين اقوام ساكن كشور" تلاش ورزيده اند، پس آنچه كشتار و ددمنشي و وحشيگري و تخریب و تاراج، برای چه و کدام منظور بود؟

مارشال جفنگ ميگويد، يا حقيقت!؟

"شهادت مزارى در واقع نشان دهنده اين حقيقت بود كه او تسليم ظلم، استبداد و تاجر نشده و برای مردمش وفادار ماند تا جان عزيزش قربان شد."

جناب مارشال! اگر بگفته شما، مزارى "تسليم ظلم، استبداد و تاجر نشد"، او و حزب او بيشتر از چهار سال با شوراي نظار، جمعيت اسلامي و متحدين جنگي شان، مشغول جنگ و كشتار بود، پس ميتوان نتيجه گرفت كه او بگفته شما " تسليم ظلم، استبداد و تاجر نشده"، اين بدان معني تواند بود كه او و حزب او تسليم شما و متحدين تان نشد، يعني تسليم " ظلم، استبداد و تاجر"، نشد و هزاران بار پناه بردن به طالبان را، بر تسليم شدن بر شوراي نظار- جمعيت اسلامي و رسول سياف و حزب او، ترجيح داد. يعني يكبار اعدام را پذيرفت تا از مرگ تدريجي توأم با توهين و تحقير و شكجه، در امان بماند و همانطور هم شد.

مارشال ميگويد: "... (مزارى) برای مردمش وفادار ماند تا جان عزيزش قربان شد."

منظور مارشال از " مردمش"، در اين پيام چيست!؟

او نه تنها برای مردمش وفادار نبود، بلکه حتی با حزب و اعضاء و مسؤولين حزب خود نيز وفادار نبود. عملكرد او در بدترين شرايط جنگي كه قسيم فهيم و باند مزدوراش بالای مزارى و حزب وحدت او تحميل کرده بودند، بر نيروها و منزل مسكوني محمد اكبري هجوم بردند و " با اقدام نظامي نيروهاي تحت امر آقاي عبدالعلي مزارى برای تصفيه نيروهاي طرفدار محمد اكبري در تاريخ ۱۳۷۳/۶/۲۳ حزب وحدت

د پانو شميره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولي

اسلامی به دو جناح «مزاری» و «اکبری» تقسیم شد. در جنگی که اتفاق افتاد ۲۹۰۰۰ نفر از ساکنان غرب کابل کشته و زخمی و ۱۵۰۰۰۰ نفر دیگر آواره شدند.*

جنايات بی حد و مرز مزاری و پیروانش در کابل، گوش و بینی بریدن ها و سینه های زنان مظلوم را بریدن ها و رقص مرده و رقص زنده، صفحه خونین از جنايات مزاری و باندش در تاریخ کشور است که هرگز فراموش نمی شوند و نخواهیم گذاشت فراموش گردند.

" معاون اول ریاست جمهوری در پیامش تصریح کرد که ما تلاش خواهیم کرد تا بر بنیاد اندیشه های شهید صلح استاد برهان الدین ربانی رییس جمهور اسبق کشور، شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور، شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری و شهید ملت حاجی عبدالحق و دیگر جان باختگان راه جهاد و آزادی افغانستان، کشور خویش را به همان راهی هدایت کنیم که آرزوی آنها و کافه ملت مسلمان افغانستان می باشد . "

جناب مارشال! شما در یک دست میخواید شش خربوزه را بگیرید. هم تلاش خواهید کرد بر بنیاد اندیشه های شهید صلح رفتار کنید، هم بر بنیاد اندیشه های شهید جنگ و هم بر بنیاد اندیشه های شهید وحدت ملی و هم بر بنیاد اندیشه های شهید ملت و هم زنده و سلامت در کرسی مارشالی و معاونیت ریاست جمهوری بنشینید.

از جانب دیگر افرادی را که شما و برادران جنگی تان از کیسه خلیفه عناوین بلند بالا بخشیده اید، در حقیقت همه کشتگان قدرت طلبی و انحصار جوئی بوده اند و شما هم چه بگوئید و چه نگوئید، در همان راه که آنان سرباختند، روان هستنید و به همان جایی خواهید رسید که آنان رسیدند، گورستان تاریخ!!

اگر خواسته باشید از کار روائی های " شهید وحدت ملی" تان بهتر دانسته شوید و برانید که او سایه وحدت ملی را با گلوله میزد و تا مغز استخوان دشمن وحدت ملی بود، لطف نموده به یک نوشته که از او ماند و " صد سال تنهائی" نام دارد، مراجعه کرده و صفحه چند از آن مطالعه کنید، البته اگر سواد خواندن داشته باشید که ما را عجب آید.

به مارشال اعزازی باید صادقانه خاطر نشان نمود که آرزوی " کافه ملت مسلمان افغانستان"، لقمه بزرگتر از دهان شماسست و جناب شما و کشتگان مورد نظر تان که ذکر شر آنها را در بالا آورده اید، حتی برای یک لحظه هم، بلی حتی یک لحظه، به آرزوی ملت مسلمان افغانستان، نیندیشیده اند و حتی یک قدم هم اندرین راه نگذاشته اند و جناب شما هم از همان قماش اید و به راه همانها روان هستنید و عاقبت به همان جایی خواهید رسید که آنان رسیدند و دور نخواهد بود که شما هم " شهید چوکی"، شوید و اسم نامسا ای شما هم در همان قطار ذکر گردد.

*مجله فجر امید، ارگان نشراتی حرکت اسلامی، ش 29 و 30

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ